

به بهانه شهادت رئیس جمهور کوه نشین شهید محمد علی ربانی
و نخست وزیر مکتبی شهید محمد بهاد باهنر

ترور

دکتر مسن تراشان

۱. ترور یعنی چه؟

ترور به معنی وحشت و ترس است. همچنین در اصطلاح، به حزب یا جنبشی که موجب حالت ترور و رعب و وحشت در جامعه شود نیز اطلاق می‌شود. و نیز به حالت وحشت فوق‌العاده‌ای اطلاق می‌شود که ناشی از دست زدن به خشونت و قتل و خونریزی از سوی یک گروه یا حزب و یا حکومت به منظور کسب یا حفظ قدرت است.

۲. هسته اولیه گروهک منافقین

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ عده‌ای از جوانان دانشگاهی و روشنفکر دست به تشکیل نهضت آزادی ایران زدند. این گروه یکی از گروه‌های داخل جبهه ملی ایران به شمار می‌رفت. پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ که به علت دستگیری حضرت امام خمینی (ره) توسط رژیم پهلوی به وقوع پیوست و فراگیر شدن قیام مردم مسلمان، عده‌ای از جوانان در سال ۱۳۴۴ از نهضت آزادی ایران اعلام انشعاب نمودند. افرادی که خط‌مشی مبارزه مسلحانه را سرلوحه کار خود قرار دادند عبارت بودند از: محمد حنیف‌نژاد، سعید محسنی و علی‌اصغر بدیع‌زادگان. این افراد که در ابتدا در جلسات درس مرحوم آیت‌الله طالقانی، بازرگان و سحابی شرکت می‌کردند از ۱۳۴۸ به بعد به علت حجم زیاد تبلیغات مارکسیستی، به مطالعه این مرام پرداختند و در نهایت با توجه به این‌که از معلومات اسلامی کافی برخوردار نبودند، التقاط در گفتار و مرام و عمل آن‌ها ظاهر شد. در سال ۱۳۵۰ به طور رسمی عنوان «مجاهدین خلق» را برای خود برگزیدند. به تدریج بعضی از این افراد صراحتاً تغییر موضع دادند و از «التقاط» به «ارتداد» روی آوردند.

۳. دلخراش‌ترین کشتار منافقان

فجایی که منافقین از سال ۱۳۶۰ به بعد انجام دادند هر کدام را می‌توان به عنوان یک حادثه دلخراش یاد کرد. قتل افرادی عادی همچون کارگر، بقال، خواربارفروش، لبنیاتی، سبزی‌فروش و... در کوچه و بازار در بعضی موارد جلوی چشمان زن و فرزندان آنها هرکدام دلخراش‌تر و دردناک‌تر از دیگری بود. اما دو عملیات تروریستی توسط منافقین صورت گرفت که اگر هر یک از این‌ها، توسط نظام غیرمردمی انجام می‌شد، به طور قطع موجب سقوط حکومت می‌شد. یکی از آن‌ها انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و شهادت ۷۲ تن از مسئولین نظام به همراه شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی در ۷ تیر ۱۳۶۰





بود. دیگری به شهادت رساندن رجایی و باهنر در ۸ شهریور همان سال بود. در این دو انفجار پیاپی تعداد زیادی از مسؤولان درجه یک نظام به شهادت رسیدند ولی به علت برخورداری نظام از حمایت‌های بی‌دریغ مردم، حکومت اسلامی توانست گام‌های بعدی را بدون کوچک‌ترین خللی با استحکام بیشتری بردارد.

۴. پیامدهای این دو فاجعه عظیم

پیامدهای این حادثه عبارت بودند از:

۱. انزجار شدید مردم از گروهک منافقین: هرچند مردم نسبت به ماهیت این گروهک آگاهی داشتند اما این حادثه باعث افزایش آگاهی‌های مردم نسبت به ماهیت واقعی آن‌ها و در پی آن انزجار شدید از این عمل وحشیانه شد.
۲. استحکام هرچه بیشتر رابطه رهبری و مردم: با انجام ترورهای متعدد، به ویژه پس از شهادت دکتر بهشتی و ۷۲ تن از مسؤولین نظام و همچنین شهادت رجایی و باهنر، مردم و مسؤولین با انسجام و یکدلی کامل درصدد سرکوبی منافقین برآمدند؛ به طوری که بسیاری از اعضای این گروهک با کمک مردم دستگیر شدند.

۵. انگیزه ترور بزرگان

هدف اصلی منافقین از ترور بزرگان و مسؤولین نظام، سرنگونی جمهوری اسلامی و تکیه زدن بر اریکه قدرت بود. آنها در ابتدا سعی کردند قدرت را در اختیار بگیرند ولی با توجه به درایت و تیزهوشی حضرت امام خمینی (ره) نتوانستند بر این خواسته خود جامه عمل بپوشانند. تا سرانجام، راهکار نهایی خود را، که مبارزه مسلحانه علیه نظام بود، با شدت هرچه تمام‌تر آغاز کردند که به علت نفوذ منافقین در رده‌های مختلف حکومت توانستند ضربه‌های مهلکی را از این طریق بر نظام و مردم وارد کنند. به هر حال منافقین نتوانستند به خواست خود جامه عمل بپوشانند.

۶. سرانجام ترور

هرچند در برهه‌های گوناگون، تاکتیک‌های متفاوتی توسط این گروهک اتخاذ شد ولی به طور مداوم ترور به شیوه‌های گوناگون در دستور کار آنها قرار داشت. ترور افراد و شخصیت‌ها، بمب‌گذاری در اماکن گوناگون از جمله اماکن مقدس همچون مرقد مطهر امام رضا (علیه السلام)، خمپاره‌اندازی و زدن آر. پی. جی به طرف اماکن نظامی و غیرنظامی و... از جمله اقدامات تروریستی آنهاست که همچنان ادامه دارد.

۷. ویژگی‌های گروه منافق

۱. ارائه اسلام التقاطی: موضوعاتی که آن‌ها تحت عنوان ایدئولوژی اسلامی مطرح می‌کنند مجموعه‌ای از افکار مارکسیستی، اسلام و برداشت‌های شخصی می‌باشد. آنچه موجب آغاز این انحراف در بنیانگذاران اولیه شد عدم آگاهی لازم از اصول و ارزش‌های اسلامی بود. در واقع اسلام، از نظر این گروه ابزار رسیدن به قدرت است.
۲. قدرت‌طلبی: هدف اصلی آنها کسب قدرت می‌باشد و برای رسیدن به این هدف، استفاده از هر وسیله را تجویز می‌کنند. در این راه، حاضرند حتی از اصولی که به آن معتقدند دست بردارند و با هر دولت و رژیم هم‌پیمان شوند تا به هدف شوم خود نائل شوند؛ همکاری آن‌ها با رژیم اسرائیل و عراق از این جمله است.
۳. نداشتن تحلیل صحیح از مردم مسلمان ایران: این گروهک هیچ‌گاه از مردم تحلیل صحیحی ارائه نداده است. در حالی که آن‌ها از منفورترین گروه‌ها در نزد مردم ایران بوده و هستند کماکان مردم را حامی خود تلقی می‌کنند. فروپاشی و اضمحلال آن‌ها در داخل کشور و فرار آن‌ها به خارج نمونه بارز و حکایت از این عدم حمایت مردمی بود. پس از فرار نیز این تحلیل غلط خود را تکرار کردند و هرگز آن‌ها به عمق ایمان و اعتقادات عمیق اسلامی مردم پی نبرده و نخواهند برد.

۸. جایگاه استراتژی ترور

امروزه ترور، ایجاد رعب و وحشت و آدم‌کشی برای رسیدن به هدف، در نزد افکار عمومی جهانیان محکوم شناخته می‌شود. و از تروریست به عنوان افراد بی‌منطق، خشونت‌طلب و ضدبشر یاد می‌شود. ولی متأسفانه ترور دولتی به شکل وسیع و فاجعه‌آمیز با تأیید قدرت‌های بزرگی همچون آمریکا صورت می‌گیرد. نمونه این ترورها را توسط رژیم اشغالگر قدس هر روز شاهد هستیم، ولی نه تنها این تراژدی ضدبشری محکوم نمی‌شود، بلکه بطور تلویحی مورد تأیید قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا قرار می‌گیرد.



این ملت را با ترور فهی شوه عقب راند.

دیار ۵۴
شورور ۸۰
شماره ۱۵

امام خمینی (ره)

این ملت را با ترور فهی شوه عقب راند.